

بررسی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری از منظر قرآن و اسلام

زهرا حسینی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۴

مهشید ایزدی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۵

نجمه وکیلی***

فهیمة انصاریان****

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی از منظر قرآن و اسلام است. این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و داده‌های مورد نیاز، از بررسی متون اسلامی و به روش کتابخانه‌ای و الکترونیکی استخراج گردیده است، جامعه تحلیلی تمام منابع مربوط به موضوع پژوهش و نمونه تمامی مواردی است که پژوهشگر بضاعت علمی و موقعیتی دستیابی به آن را داشته است. ابتدا مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام شناسایی و از بین آن‌ها بعد اجتماعی (در ارتباط با دیگران) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری را می‌توان تحت چهار عنوان معرفی نمود که عبارت‌اند از اعتقادی، فردی، اجتماعی و در قبال محیط طبیعی. نتایج بررسی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری بیانگر آن است که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی، منشأ حقوق و تکالیف معینی است که انسان با توجه به کرامت و مسئولیت خویش باید آن‌ها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد.

کلیدواژگان: مسئولیت‌پذیری، زندگی اجتماعی، اصول، اسلام.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
z.hosseini012@gmail.com

** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
dr.izadi.mahshid1452@gmail.com

*** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: مهشید ایزدی

مقدمه

تعهد داشتن و مسئولیت‌پذیری انسان در قبال مسائل مختلف تاریخچه‌ای به قدمت خلقت خود انسان دارد. از همان لحظه که به امر پروردگار، روح الهی در جسم انسان دمیده شد و مسجود ملائکه گردید، انسان در برابر خالق بی‌همتای خود، در برابر نفس خود و جهان اطراف خود، رسالت عظیم خلیفه‌اللهی و دیگر مسئولیت‌های بزرگ انسان بودن و انسان زیستن را متقبل گردید. اگر ما انسان‌ها به این موضوع با تأمل بیش‌تری بنگریم و به راستی باور داشته باشیم در مقابل هر چیزی که به نوعی در اختیارمان قرار گرفته واقعاً مسئول (مورد سؤال و بازخواست) هستیم، قطعاً نگرش ما به زندگی موقت در این دنیا و شیوه سپری کردن عمرمان، به‌طور اساسی و بنیانی دستخوش تغییر و تحولاتی به سمت خوبی‌ها و کمالات انسانی می‌شود. چراکه وقتی انسان متعهدانه‌تر برنامه زندگی خود را پیاده کند، از لحظات و اوقات عمر خویش بهره‌های بیش‌تری نصیبش شده و نهایتاً از زندگی سعادت‌مندانه‌تری برخوردار خواهد بود.

ما در روابطی که با دیگران برقرار می‌کنیم دارای حقوق متقابل هستیم. اما با هر حق مسئولیت‌ها و تکالیفی وجود دارد و این دو به منزله دو کفه ترازو هستند که باید تعادل آن‌ها حفظ شود. پس همان‌طور که ما حقوقی داریم، مسئول هم هستیم. از سوی دیگر مسئولیت‌شناسی در هر جامعه باعث تنظیم روابط اجتماعی و انسانی می‌شود. اینکه اشاره شد تعالیم مربوط به مسئولیت یاد گرفتنی و اکتسابی است سخنی روشن است که انبیاء الهی خطوط اصلی این مسئولیت را ترسیم کرده‌اند. در نگرش اسلامی، انسان با الزام‌ها و بایدهای بیرونی روبه‌رو است. بر این اساس، لازم است فرد در قبال این بایدها و نبایدها، با الزامی نشأت یافته از درون به عمل بپردازد و در برابر آن‌ها احساس مسئولیت داشته باشد. در جریان تربیت، این یک اصل است و باید آن را چون قاعده‌ای عامه برای هدایت شیوه‌ها و روش‌های تربیتی به کار بست (باقری، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

در جامعه اسلامی انتظار می‌رود که مردم با هم هماهنگ و هم‌نوا باشند. وفای به عهد و پیمان‌های اجتماعی باعث می‌شود که شیرازه روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه محکم و استوار گردد. این ممکن نخواهد شد مگر اینکه افراد آن جامعه مسئولیت‌پذیر باشند. نپذیرفتن مسئولیت و پیمان‌شکنی موجب پراکندگی اجزاء جامعه

از هم خواهد شد، این امر ضررهای جبران‌ناپذیری را بر پیکره اجتماع وارد می‌آورد. «کلکم راعٍ، وکلکم مسؤؤلٌ عن رعیته»: «به راستی که همه شما حافظ و سرپرست‌اید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید». متأسفانه این اصل مهم در جامعه ما کمرنگ و ضعیف شده و بسیاری از افراد خیلی راحت به پیمان‌شکنی می‌پردازند. غافل از اینکه چه ضررهای جبران‌ناپذیری را به جامعه وارد می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲: ۳۸).
د/د/شی کلایی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تبیین اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام و دلالت‌های تربیتی آن» به این نتیجه دست یافت که مسئولیت‌پذیری را می‌توان در دو بعد فردی و اجتماعی ملاحظه کرد، و اصول و روش‌های تربیتی در چهار عنوان مسئولیت در برابر خداوند، مسئولیت در برابر خود، مسئولیت در برابر اجتماع و مسئولیت در برابر محیط زیست استنتاج گردید. نتیجه اینکه ایمان به خدا و انجام اعمال مذهبی در افزایش مسئولیت‌پذیری جوانان نقش بسزایی دارد که می‌توان با تأکید بر آموزه‌های دینی و مذهبی در سطح خانواده، مدرسه و دانشگاه به حفظ سلامت فردی و اجتماعی کمک نماید.

سبحانی‌نژاد و نجفی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل ابعادشناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی» به این نتیجه دست یافتند که هندسه معرفتی مسئولیت‌پذیری در چهار بعد اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی قابل تبیین است و عملیاتی ساختن هر یک از مسئولیت‌ها، به نحوی در ساختار زندگی به سبک اسلامی مؤثر هستند و حیات طیبه را برای آدمی در مراتب گسترده آن پدید می‌آورند.

حاجی‌زاده و آورجه (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان» به این نتیجه رسیدند که بررسی جایگاه مسئولیت‌پذیری در قرآن مبین آن است که قرآن، انسان را موجودی اجتماعی، در اجتماع و برای اجتماع می‌داند و انسان را نسبت به برخی از مسائل مسئول دانسته و رفتار مسئولانه را از شاخص‌های انسان سالم می‌داند. بنابراین مسئولیت‌پذیری که از زمینه‌های مهم مورد مطالعه جامعه‌شناسی است، لذا طرح آن در قرآن، به منزله اهمیتی است که اسلام برای جامعه و زندگی اجتماعی قائل است و ضرورت شناخت و

بررسی علمی این پدیده، مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی را در اسلام تأیید می‌کند.

رستمیان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته و در نتایج خود چنین بیان می‌دارد که با بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، ریشه مسئولیت‌پذیری را در امانت الهی یافتیم که جز انسان موجودی دیگری نتوانست آن را قبول کند. اما انسان در صورتی می‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد که با دو اصل تقوا و ایمان، زمینه‌های آن را فراهم کند و از راهکارهای تفکر و تفقه و بصیرت بهره برد.

جعفری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مسئولیت‌پذیری از دیدگاه قرآن» به این نتیجه رسید که انسان موجودی متعهد و مسئول است و این تعهد و مسئولیت در رابطه با هدف داری آفرینش و جایگاه انسان با توجه به امتیازات او بر سایر موجودات عالم معنا پیدا می‌کند. به همین خاطر باید طوری تربیت شود که خود را بشناسد و بداند چه وظیفه و مسئولیتی بر عهده دارد و آن را به مرحله اجراء و عمل درآورد.

حسنی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «مسئولیت اجتماعی انسان از دیدگاه قرآن» به بررسی پنج بعد مسئولیت انسان پرداخته است که این ابعاد عبارت‌اند از فرهنگی، سیاسی-اجتماعی، اقتصادی، دفاعی و بهداشت و محیط زیست؛ و در نتایج خود چنین بیان می‌دارد که انسان در برابر والدین، اقارب، دولت و حاکم و رهبر وظایفی بر عهده دارد که باید رعایت نماید و همچنین در مورد تعلیم و تربیت دیگران و بالخصوص اولاد و شاگردان در محدوده تحصیل و نیز در اداره مملکت و حکومت‌داری و رفاه و امنیت مملکت و دفاع و پاسبانی از سرحدات کشور و مقابله با تهاجمات دشمنان اسلام و بیگانگان وظایفی وجود دارد که کوتاهی از آن عواقب دنیوی و اخروی ناگواری دارد؛ و باید به خوبی انجام وظیفه گردد.

از آنجا که مفهوم مسئولیت‌پذیری هسته مرکزی اهداف غایی انسان بوده و اهمیت قابل توجهی را در نظام تعلیم و تربیت به خود اختصاص داده، ضرورت ایجاد می‌کند تا به مفهوم دقیق‌تری از مسئولیت‌پذیری در حوزه تعلیم و تربیت دست پیدا کنیم. البته با توجه به اینکه در حیطه علوم اجتماعی و قرآنی در باب مسئولیت‌پذیری کارهایی انجام

شده اما منحصراً در حیطه مؤلفه اجتماعی مسئولیت‌پذیری در اسلام و استخراج اصول تربیتی بر مبنای آن، کار پژوهشی خاصی انجام نشده است، همین امر محقق را بر آن داشت که به انجام پژوهشی در جهت تبیین بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری و اصول آن از دیدگاه اسلام بپردازد.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: تبیین بعد اجتماعی در پرورش مسئولیت‌پذیری بر اساس دیدگاه قرآن و اسلام چیست؟

سؤالات فرعی: مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام چیست؟ مؤلفه مسئولیت‌پذیری اجتماعی از دیدگاه اسلام چیست؟ اصول بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام چیست؟

اهداف پژوهش

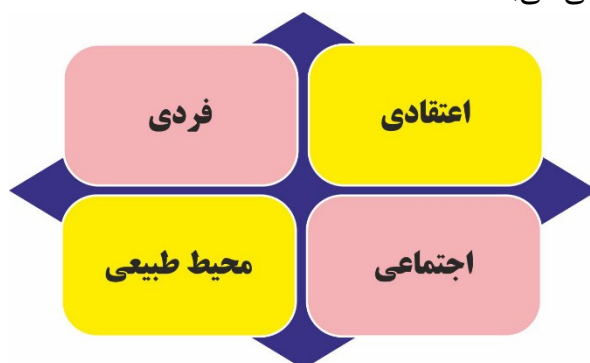
هدف کلی: بررسی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری از منظر قرآن و اسلام
اهداف جزئی: شناسایی مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام، شناسایی مؤلفه مسئولیت‌پذیری اجتماعی از دیدگاه اسلام، شناسایی اصول تربیتی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام.

نوع و روش پژوهش

این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی متون اسلامی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین صورت که محقق با جست‌وجو در کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات، سایت‌های معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش به توصیف و تحلیل آن پرداخته است. با توجه به نوع موضوع پژوهش جامعه تحلیلی تمام منابع مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد. نمونه این پژوهش، تمامی منابعی است که محقق به لحاظ بضاعت علمی و موقعیتی به آن‌ها دسترسی داشته است.

مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، موضوع مسئولیت‌پذیری است. در واقع، این مؤلفه است که به زندگی انسان رنگ و بوی الهی و دینی می‌دهد، چراکه انسانی که خود را تابع و پیرو هیچ قانون و مذهبی قرار نمی‌دهد و زیر بار هیچ مسئولیت نمی‌رود، نمی‌تواند روح زندگی دینی را درک نماید. از این رو، در سبک زندگی اسلامی، مسئولیت‌های مشخص انسان بیان شده است. از جمله این مسئولیت‌ها، مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال و آیین و شریعت پاک الهی و مسئولیت انسان در قبال خود، دیگران و جهان هستی می‌باشد.



شکل ۱-۲- مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام

در تشریح این چارچوب و نظام معرفتی باید عنوان نمود که در آموزه‌های اسلامی انسان از آن جهت که انسان است دارای مسئولیت‌های خاصی در ارتباط با خدا، خویش، انسان‌ها و جهان هستی است که در صورت توجه، پذیرش و شکوفاسازی تمام آن‌ها، زندگی آدمی، نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود رهنمون می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۵). تمام تحولات رشدی که به تدریج در راستای اهداف عالی معرفتی و هماهنگ با اهداف آفرینش در آدمی پدید می‌آید، از چهار جنبه فوق بیرون نیست.

در حقیقت، پذیرش این مسئولیت‌های چهارگانه به صورت مطلوب است که آدمی را به سبک زندگی اسلامی هدایت می‌کند و رشد و بالندگی سعادت‌مندان را در زندگی فردی، اجتماعی و زیست محیطی موجب می‌گردد و انسان زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای

زندگی آخروی و حیات جاوید و حسن مآب قرار می‌دهد و هدف قرب و کمال مطلوب را برای خود فراهم می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۸: ۹۱).

شایان ذکر است که ابعاد این نوع مسئولیت‌پذیری با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و باید به صورت همه‌جانبه در افراد رشد یابند، چراکه روابط صحیح در یک بُعد بدون دیگری، آن وظیفه نیست که رغبت فطری به آن است و به عبارت دیگر، پیوندی میان این مسئولیت‌ها وجود دارد که پذیرش برخی از آن‌ها، حتماً به پذیرش مسئولیت دیگر می‌انجامد و بدون آن‌ها این مهم عملیاتی نمی‌شود. این نوع آموزه‌ها حاکی از آن است که این مسئولیت‌ها در نظام معرفتی و تربیتی، بهم تنیده در نظر گرفته شده‌اند و این بدین معنی است که در پذیرش و عملیاتی ساختن هر دسته از این مسئولیت‌های چهارگانه باید از دسته‌های دیگر نیز کمک گرفت و آن‌ها را نیز شکوفا ساخت و به رشد رساند تا رفتار معرفتی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی تحقق یابد.

در مقاله حاضر تنها به توضیح چارچوب مفهومی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی پرداخته می‌شود که آن نیز اصولی را در بر می‌گیرد که در جدول (۲-۴) به آن‌ها اشاره شده است:



نمودار ۲-۴- اصول مولفه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در اسلام

مسئولیت اجتماعی (در ارتباط با دیگران) از دیدگاه اسلام

اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند.

انسان موجودی اجتماعی است و در طول زندگی، ناگزیر از معاشرت با دیگران می‌باشد؛ در همین راستا دین مبین اسلام، وظایفی را برای افراد نسبت به یکدیگر تعیین کرده است که همان مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد و به دو مرحله اندیشه و عمل تقسیم می‌شود. از دیدگاه اسلام، روابط اجتماعی انسان در مرحله اندیشه بر مبنای خیرخواهی، محبت، مودت و حسن ظن می‌باشد؛ یعنی، انسان باید صفحه اندیشه و نیت خود را نسبت به برادران و خواهران خود، نیکو ساخته و از سوء ظن نسبت به برادران دینی خود شدیداً پرهیز نماید: «یا أَيُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ : «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است» (حجرات / ۱۲). پیامبر اکرم (ص) در حدیث شریفی می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»: «تمامی افراد جامعه نسبت به هم مسئولیت و وظیفه دارند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲: ۳۸). در این حدیث عبارت «راع» آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این عبارت، واژه راعی در مورد همه مردم است؛ یعنی مسلمین نسبت به هم مسئولیت دارند بلکه نوعی ولایت نیز برای مسلمین نسبت به هم قرار داده شده است؛ زیرا سیاست کردن مردم باید با نوعی ولایت بر آن‌ها همراه باشد. کسی می‌تواند سیاست و هدایت کند که نوعی ولایت نیز داشته باشد.

انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و این حقیقت خود را در دو چهره نشان می‌دهد، یکی اینکه هر فرد انسانی گرایش به جامعه‌پذیری دارد و می‌خواهد زندگی اجتماعی داشته باشد و زندگی بدون تعامل با دیگران برای وی دشوار است و دیگر اینکه هر فردی نسبت به دیگری احساس مسئولیت می‌کند و خود را در سرنوشت دیگران و دیگران را در سرنوشت خویش مؤثر می‌داند و از این روست که در آموزه‌های دینی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش تربیت آدمی تأکید شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از جنبه‌های فطری آدمی است که به صورت گرایش و توانمندی در هر فردی وجود دارد و از این رو، «مدنیّ بالطَّبَع» نامیده شده

است. به فعلیت رساندن این توانمندی و عملیاتی ساختن این گرایش در همه مراحل زندگی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات تربیتی و ظهور توانمندی‌های بالقوه افراد باشد (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است که نتیجه آن، نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران و تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و نیز درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار فرد شکل می‌گیرد (سبحانی‌نژاد و آب‌نیک‌کی، ۱۳۹۱: ۶۲) و اثرات آن را به گونه‌ای همه‌جانبه می‌توان در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آن‌ها مشاهده کرد (فقیه‌هی و همکاران: ۱۳۹۳: ۶۸).

از مطالب فوق چنین برمی‌آید که انسان به تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود را ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی، همچون خوراک، پوشاک، مسکن و غیره نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی، مثل دوستی و مهرورزی و مانند آن‌ها به فردی احتیاج دارد که او را دوست بدارد و او نیز آن را دوست داشته باشد. بنابراین انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است و بسیاری از موهبت‌های زندگی خویش را مدیون جامعه می‌داند و او همواره از دیگران خیر و برکت دریافت می‌دارد.

در سایه تعامل با اجتماع از غم و نگرانی آزاردهنده تنهایی رها می‌شود، بر لبانش گل لبخند می‌شکند و بر علم، تجربه و آگاهی‌های او افزوده می‌شود و اینگونه است که دست لطف و مهر خداوند را احساس می‌کند، چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «دست خداوند به همراه جماعت است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۵۳۷).

آثار سودمندی که به برکت ارتباط با جامعه و اجتماع نصیب انسان می‌شود، بی‌شک سبب ایجاد حس مسئولیت‌آدمی در برابر آنان خواهد شد و در این رهگذر، کم‌ترین وظیفه او، بازداشتن خویش از آزار رساندن به دیگران است. بر این اساس، تنها در سایه احساس مسئولیت در برابر جامعه است که رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند و شومی ظلم و ستم آشکار می‌شود. همچنین تنها به همین سبب است که با دیدن رنج گرسنگی و فقر و اندوه در چهره دیگران، روح آدمی آزار می‌بیند و بی‌تفاوتی برای او واژه نامأنوسی می‌شود (معمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

این بُعد از ابعاد مسئولیت انسان، نسبت به دیگر انسان‌هاست که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد، از مهم‌ترین آن‌ها مسئولیت نسبت به فرستادگان خداوند، یعنی قرآن، رسول الله، ائمه هدی (ع)، و اطاعت از آنان است. دیگر حوزه‌های مسئولیت انسان در رابطه با دیگران، شامل همه روابط خانوادگی و خویشاوندی، همسایگان، طبقات محروم، مؤمنان، قشر جامعه، حکومت و یا حتی بشریت که به صورت گوناگونی چون محبت، رعایت حقوق، اقامه قسط، همکاری و هدایت اعمال می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱: ۳۱۶).

معیار مطلوب بودن پذیرش این مسئولیت، هماهنگی آن

با مسئولیت فطری انسان با خداست که در لسان شرع و سیره معصومان (ع) به عنوان رضای پروردگار مطرح است. هدف مرضی خدا این است که انسان‌ها با پاسداری حرمت‌های سه‌گانه، به سعادت انسانی نائل گردند و در درجات کمالی بی‌نهایت، خود را ارتقاء دهند (فقیهی و نجفی، ۱۳۹۳: ۱۰).

اصل مسئولیت در برابر خانواده

خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و منشأ زندگی اجتماعی انسان، مورد توجه خاص قرآن می‌باشد. جنبه‌های مختلف این نهاد اجتماعی از قبیل منشأ خانواده، روابط خانوادگی، نظام خویشاوندی و مانند این‌ها در قرآن مورد بحث قرار گرفته است. اسلام تأکید فراوانی به تشکیل خانواده و تشکیل آن را منشأ وجود روابط اجتماعی صحیح دانسته که با ایجاد آن جلوی بسیاری از نابهنجاری‌های اجتماعی گرفته خواهد شد.

نابهنجاری‌هایی که به جهت روابط جنسی نامشروع، نابسامانی و مشکلات خانواده به وجود می‌آید. از آنجایی که مبنای تشکیل این نهاد، ازدواج است و تنها از این طریق است که خانواده سالم به وجود می‌آید، اسلام توجهی به امر ازدواج مبذول داشته و مؤمنین را تشویق به ازدواج کرده است: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْظِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/ ۳۲): «و بی همسران خود و غلامان و

کنیزان درستکاران را همسر دهید اگر تنگ‌دستاند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایش‌گر دانا است».

بنابراین ازدواج، مبادرت به یک خدمت مقدس و تحمل یک مسئولیت است. در این بنیاد مقدس، هر یک از زن و مرد و هم‌چنین فرزندان و پدر و مادر، به طور متقابل، حقوقی بر یکدیگر دارند که این حقوق، مسئولیت‌هایی را برای طرف مقابل به وجود می‌آورد.

الف) مسئولیت در پاسداشت حریم عفاف

یکی از حوزه‌های پر اهمیت مسئولیت انسان در برابر خانواده، حوزه مربوط به عفت و غیرت در جامعه است که در مسیر سالم‌سازی بستر رشد انسانی از اهمیت شگرفی برخوردار است. از نگاه قرآن، مردان، سرپرستان حریم خانواده نیز دارای شئون مختلفی می‌باشد که یکی از آن‌ها نظارت بر مراعات حجاب اسلامی و حفظ حریم عفت خانواده است.

ب) مسئولیت در فرهنگ‌سازی خانواده

حوزه دوم از مسئولیت انسان در برابر خانواده زمینه‌سازی بستر رشد فرهنگی خانواده است. بسیار روشن است که مسئولیت انسان در برابر خانواده، تنها در تأمین ما یحتاج روزمره و نیازهای جسمی آنان محدود نگردیده، که در بعد فرهنگی و در حوزه تأمین نیازهای روحی نیز می‌بایستی این مسئولیت در مراتب بسیار بالاتر ارزیابی گردیده و مورد توجه قرار گیرد. اگر خانواده به سطح فرهنگی و مذهبی قابل قبولی دست نیابد، جامعه نه تنها به رشد و تکامل مطلوب دست نخواهد یافت، که چنین جامعه‌ای روی آسایش و آرامش را هم نخواهد دید. امام صادق (ع) می‌فرماید: «یکی از مسئولیت‌های پدر، درباره فرزند، تلاش فراگیر، در آموختن ادب و تربیت شایسته است» (تحف العقول: ۳۲۲). رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «بهترین چیزی که یک پدر می‌تواند به فرزندش هدیه کند، آموختن ادب و تربیت شایسته است» (مجمع الزوائد و منبع الفوائد: ۱۵۹).

ج) مسئولیت در یاددهی تکالیف دینی و مذهبی

سومین حوزه از حوزه‌های مسئولیت انسان در برابر خانواده توجه خاص به آموزش تکالیف مذهبی به فرزندان در دوران مختلف زندگی آنان است. شکی نیست که برای یک انسان مسلمان و متعهد، دغدغه آموزش تکالیف دینی، می‌بایستی در رأس بسیاری از دغدغه‌های دیگر بوده و تحت هیچ شرایطی در آن سستی و خللی پدید نیاید. در حدیثی از نبی گرامی اسلام(ص) می‌خوانیم: «أَدِّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ»: «فرزندان کوچک خود را با زبان برای نماز ادب کن» (مجموعه ورام، ج ۲: ۱۵۵).

هنگامی که نگاه پیامبر اکرم(ص) به برخی از کودکان افتاد، فرمود: وای بر فرزندان آخر الزمان، از پدران آنان، گفته شد: «یا رسول الله! از پدران مشرک آنان؟ حضرت فرمود: خیر، از پدران با ایمان آنان که هیچ یک از تکالیف دینی را بدان‌ها یاد نمی‌دهند و اگر خود فرزندان نیز پاره‌ای از تکالیف دینی خود را فرا گیرند، آنان را در انجام تکالیف آموخته شده، وسوسه نموده و از آن باز می‌دارند. چنین پدرانی تنها به این مقدار قانع هستند که، فرزندان آنان، کمی از اموال دنیا را به چنگ آورند، من پیامبر از اینگونه پدران، بیزار هستم و آنان نیز از من بیزارند» (مستدرک الوسائل، ج ۲: ۶۲۵).

د) تکالیف همسران نسبت به یکدیگر

زن و شوهر نسبت به هم حقوقی متقابلی نیز دارند که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- عفو و گذشت

زن و شوهر در ابتدای زندگی، یکدیگر را محک می‌زنند. از این‌رو، به شکل ظریفی کردارهای هم را زیر نظر دارند. از آنجا که هر دو بشر هستند، مسلماً دچار اشتباه‌هایی می‌شوند و اگر گذشت و چشم‌پوشی نکنند، اختلاف‌ها و درگیری‌ها سر می‌گیرد و کم‌کم به جای احترام، اهانت و در عوض محبت، قهر و کینه، نمود پیدا می‌کند. نتیجه آن، سستی ارکان خانواده و تربیت فرزندان ناهنجار و پرمشکل است. بنابراین اگر همسران محبت و احترام را می‌خواهند، باید از همان ابتدای زندگی مشترک‌شان بکوشند که روحیه عفو و گذشت را در خود تقویت کنند و در حقیقت، صاحب این کلید

مشکل‌گشای زندگی شوند؛ چراکه بر اساس آیات قرآنی، عفو و گذشت موجب جلب غفران الهی می‌شود: «وَلْيُغْفِرُوا وَلْيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»: «و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد؟ و خدا آمرزنده و مهربان است» (نور / ۲۲). بنابراین اگر همسران عزت و سربلندی خانواده را خواستارند، باید عفو و گذشت پیشه کنند؛ چراکه پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده است: «عليكم بالعفو فإن العفو لا يزيد العبد إلا عزاً فتعافوا يعزكم الله»: «بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید؛ زیرا عفو موجب عزت بنده است. یکدیگر را عفو کنید تا خدا شما را عزیز کند» (مستدرک الوسائل، ج ۹: ۵).

۲- پابندی به معنویت و رعایت احساسات یکدیگر

در این زمینه قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»: «نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند» (روم / ۲۱).

کلمه مودت تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، و رحمت، به معنای نوعی تأثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد، و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید، و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند که موجب می‌شود به هم ابراز احساسات نمایند، و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچک‌تر را رحم می‌کنند، چون در آن‌ها ضعف و عجز مشاهده می‌کند (تفسیر المیزان، ج ۱۶: ۲۰۵).

اعتقاد به معنویت و حفظ همیشگی آن نیز از مسئولیت‌های مهم خانوادگی است؛ زن و مرد چه در دورانی که هنوز فرزندی ندارند و چه زمانی که فرزندان به گرمی و صمیمیت محفل‌شان می‌افزایند، باید بکوشند فضای معنوی خوبی را در خانه حاکم کنند

تا در این فضای معنوی هم اطرافیان و هم فرزندان که به دنیا می‌آیند، با دیدن این الگوها به خوبی رشد کنند؛ زیرا داشتن الگو، مؤثرترین و طبیعی‌ترین وسیله برای انتقال ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است که قرآن بر آن تأکید کرده و در مواردی به روش الگوپذیری سفارش کرده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾: «قطعاً برای شما (در اقتدا) به رسول خدا سرمشقی نکوست» (احزاب / ۲۱).

از وظایف مرد آن است که خانواده را به سوی رستگاری و معنویت هدایت کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾: «خود و کسان‌تان را از آتش (دوزخ) حفظ کنید» (تحریم / ۶).

مرد موظف است که زمینه رشد و تعالی را برای همسر و فرزندان فراهم آورد و لوازم رسیدن به رشد و تکمیل را در اختیار ایشان قرار دهد؛ برای مثال راه تحصیل علم را برای آن‌ها باز نماید و یا اینکه وسایل و امکانات لازم برای تربیت فرزندان را در اختیار همسرش قرار دهد؛ زیرا کودک عمده شخصیت خود را از مادر می‌گیرد و از تربیت مادر است که شخصیت و شاکله وجودی فرزندان شکل می‌گیرد.

هـ) مسئولیت والدین در برابر فرزندان

فرزند نعمتی است که خداوند متعال به والدین عطا می‌کند. در روایت‌های معصومان علیهم السلام از فرزند به برکت، گلی از گل‌های بهشت و جگرگوشه مؤمن تعبیر شده است. از حسن بصری نقل شده است که می‌گفت: «فرزند چیزی است که اگر زنده بماند، رنجورم می‌کند و چون بمیرد، مرگش بی‌تاب و توانم می‌سازد؛ چون این سخن به گوش امام سجاد(ع) رسید، فرمود: به خدا قسم، دروغ گفت. فرزند بهترین نعمت است. اگر بماند، دعایی است حاضر؛ یعنی دعایش در حق والدین مستجاب است و چون بمیرد، شفاعت کننده‌ای است که انسان او را پیشاپیش می‌فرستد» (مستدرک الوسائل، ج ۲: ۳۸۹). بنابراین، والدین باید شکر این نعمت را به جای آورند، بدین صورت که مسئولیت‌هایی را که در برابر فرزندان دارند، انجام دهند؛ برخی از این مسئولیت‌ها عبارت‌اند از مراقبت اولیه والدین از فرزندان، تربیت صحیح اسلامی، تغذیه حلال و مناسب، انتخاب نام نیک.

و) مسئولیت فرزندان در برابر والدین

نکته اساسی در نهاد خانواده رعایت حقوقی است که پدر و مادر بر گردن فرزند دارند. بی‌شک، یکی از حقوق والدین، احترام به آن‌هاست. پدر و مادر در همه مراحل زندگی، از فرزندان خود توقع احترام دارند. قرآن کریم نیز به این امر بسیار اهمیت داده است؛ به گونه‌ای که در آیه‌ای، احسان به پدر و مادر را بعد از پرستش خدای یگانه ذکر فرموده است: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ٢٣﴾ و اخفص لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ٢٤﴾: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آن‌ها [حتی] آف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن‌ها سخنی شایسته بگوی (۲۳) و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند» (اسراء / ۲۳-۲۴). ماهیت این روابط، وقتی روشن خواهد شد که در معنای احسان تامل شود. راعب / اصفهانی در معنای آن می‌گوید: «احسان عام‌تر از انعام است چون انعام شامل افراد دیگر می‌شود و احسان خود انسان را هم در بر می‌گیرد این است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ لَأَنْقَسِكُمْ﴾: «اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید» (اسراء / ۷).

و نیز احسان بالاتر از عدل است به این معنا که عدل عبارت است از اینکه انسان حق دیگران را بدهد و حق خودش را از دیگران بگیرد، در صورتی که احسان عبارت است از این که انسان کم‌تر از حق خود از دیگران بگیرد و بیش‌تر از حق دیگران به آن‌ها بدهد. بنابراین، احسان زیاده‌تر از عدل است و به این دلیل است که رعایت عدل واجب و رعایت احسان مستحب می‌باشد.

در این آیه شریفه، نکته‌های عمیق و آموزنده‌ای وجود دارد که با نگاه دقیق به آن‌ها، حقوق والدین و منزلت آنان به خوبی آشکار می‌شود:

(۱) احترام و احسان به پدر و مادر در کنار پرستش خداوند ذکر شده و این نشان دهنده اهمیت بالای موضوع است.

(۲) به هیچ وجه نباید والدین را اذیت کرد و سخنان آزاردهنده‌ای به آنان گفت.

۳) هنگامی که سالخورده شدند و حوصله، توقع، روش و منش و دیگر خصوصیات اخلاقی آنان با شما سازگاری نداشت، نباید بی‌تاب و عصبی و کم‌حوصله شوید و حتی در این هنگام نباید به آنان "اف" بگویید.

۴) در حضور والدین، کمال تواضع را داشته باشید. تعبیر قرآن در آیه مذکور این است که در برابر آنان "خفض جناح" کنید. اگر شما پرنده‌ای را دنبال کنید، این پرنده تا آنجا که می‌تواند، بال می‌زند و فرار می‌کند و هرگاه نتوانست، بر زمین می‌دود، ولی اگر باز هم نتوانست برود، بال‌هایش را پهن می‌کند و تسلیم می‌شود، این حالت را "خفض جناح" می‌گویند؛ یعنی بال‌ها را به نشانه التماس پهن کردن و تسلیم شدن «قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۴۱».

۵) در حق والدین دعا کردن و برای آنان طلب رحمت کردن. این آموزه‌های مؤکد اسلامی، نشان از شکوه والدین در دین اسلام دارد.

اصل مسئولیت انسان در برابر خویشاوندان

اسلام به منظور تقویت پیوندهای اجتماعی، ارتباط با خویشاوندان را لازم دانسته است. در متون دینی، از این موضوع به صله رحم یاد شده است. اهمیت این موضوع به حدی است که روز رستاخیز از انجام این فریضه سؤال خواهد شد. قرآن مجید می‌فرماید: «از خدا بترسید هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید و نیز از قطع رابطه با خویشاوندان خود بپرهیزید که خداوند مراقب شماست» (نساء/ ۱). بر این اساس، فقها صله رحم را واجب و قطع آن را حرام دانسته‌اند.

اصل مسئولیت انسان در برابر همسایگان

یکی از مسئولیت‌های اجتماعی انسان، چگونگی رفتار او با همسایگان است. حق همسایه چنان سنگین است که /میرمؤمنان علی(ع) فرموده است: «درباره همسایگان از خدا بترسید که این سفارش پیغمبر شماست. پیوسته در مورد همسایگان سفارش می‌کرد تا بدان‌جا که گمان کردیم آن‌ها از یکدیگر ارث می‌برند» (بحار الأنوار، ج ۷: ۱۵۳).

امام علی(ع) حد همسایگی را چهل خانه از چهار طرف خانه انسان تعیین کرده است (من لا یحضره الفقیه، ج ۲: ۶۴۷).

اصل مسئولیت انسان در برابر هموعان

از نظر آموزه‌های دینی، حس مسئولیت انسان‌ها از دایره مسلمانان و خویشاوندان فراتر رفته و همه هموعان را در برمی‌گیرد. امام علی(ع) می‌فرماید: «به مردم محبت داشته باش، چون آن‌ها از دو دسته خارج نیستند: یا برادر دینی توآند و یا نظیر تو در آفرینش هستند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

اصل مسئولیت انسان در برابر انحرافات

با توجه به پیوندهای اجتماعی، هیچ کار بدی در اجتماع انسانی، در نقطه خاصی محدود نمی‌شود، بلکه همانند آتشی است که ممکن است به نقاط دیگر نیز سرایت کند. پس می‌توان گفت: در اجتماع چیزی به نام ضرر فردی وجود ندارد. بر این اساس پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «یک فرد گناهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی پردازد که در آن نشسته است و هرگاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می‌کنم، اگر دیگران او را از این عمل خطرناک بازدارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می‌شوند» (تفسیر نمونه، ج ۳: ۳۸).

حضرت با این مثال، مسئولیت نظارت فرد بر اجتماع را یک حق طبیعی دانسته است. اسلام از این مسئولیت مهم به «امر به معروف و نهی از منکر» یاد کرده است. قرآن مجید در آیات مختلفی سخن از این فریضه بزرگ به میان آورده و در آیه‌ای آن را بر فرایض مهمی چون نماز، زکات و اطاعت خدا و رسول، مقدم کرده است (توبه / ۷۱) که بیانگر اهمیت فوق‌العاده آن نسبت به سایر واجبات است. امام علی(ع) می‌فرماید: «تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان در برابر دریای پهناور است» (نهج‌البلاغه، قصاص ۳۷۴).

ساکتِ راضی، شریک جرم و مستحق کیفر الهی است. / امام علی(ع) می‌فرماید: «با اینکه شتر حضرت صالح را فقط یک نفر از بین برد ولی قرآن می‌فرماید: «جمعی او را کشتند و گرفتار عذاب شدند». این به دلیل آن است که آن گروه به عمل آن فرد راضی بودند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

اصل مسئولیت خواص

هرچند در نظام ارزشی اسلام، مسئولیت متوجه همه آحاد جامعه است، اما افرادی که در جامعه از ویژگی خاصی برخوردارند، مسئولیت بیش‌تری دارند، که از آن جمله است:

الف) مسئولیت آگاهان: از نظر آموزه‌های دینی، هرچه انسان آگاه‌تر باشد، مسئول‌تر خواهد بود. معیار واقعی سنجش آگاهان جامعه، ایفای مسئولیتی است که بر دوش آنان است. اسلام، علمی را ارزش‌مند می‌داند که با مسئولیت‌پذیری همراه باشد. اگر اسلام، عالم را بر عابد ترجیح داده به طوری که پیامبر اکرم(ص) عالم را هفتاد درجه برتر از عابد دانسته است (بحار الانوار، ج ۲: ۲۲).

دلیلش آن است که عالم علاوه بر اصلاح خویش، مسئولیت سازندگی اجتماع را نیز بر دوش می‌کشد. لذا امام رضا(ع) می‌فرماید: «متوجه باشید که فقیه کسی است که به مردم خدمت کند و وجودش برای اجتماع سودمند باشد و مردم را از چنگال دشمنان نجات بخشد» (همان منبع: ۵).

ادای مسئولیت اجتماعی، در حقیقت، پیمان خدا با دانشمندان است. / امام علی(ع) دلیل پذیرش خلافت خود را چنین بیان می‌کند: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ...»؛ «اگر نبود اینکه خداوند از دانشمندان جامعه پیمان گرفته که در برابر سیری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده رضا ندهند و آرام و خاموش ننشینند رشته این کار را کنار می‌گذاشتم» (نهج البلاغه، خطبه ۳). قرآن مجید یکی از مشخصات دانشمندان راستین را بیم از خدا می‌داند (فاطر / ۲۸) این بیم، بیم از موجود وحشتناک نیست، چراکه خدا خالق همه زیبایی‌هاست (سجده / ۷) بلکه این بیم، ناشی از سنگینی مسئولیت است. قرآن مجید آگاهان بی‌مسئولیت را به شدت توبیخ کرده به طوری که عالم بی‌عمل و مسئولیت‌گریز یعنی بلعم باعورا را به سگ تشبیه کرده

است (اعراف / ۱۷۵)؛ عالمی که به گفته شهید ثانی، دوازده هزار شاگرد، درس او را می‌نوشتند (منیة المرید فی ادب المفید والمستفید، ۱۴۰۹: ۱۱۳). این دانشمند در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که فساد و انحراف و بی‌عدالتی در آن رواج داشت. او با علم به این موضوع در خدمت فراعنه درآمد و در صف مخالفان موسی (ع) قرار گرفت.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «منظور اصلی از تمثیل بالا، بلعم است، ولی این تمثیل، شامل هر مسلمانی نیز می‌شود که تمایلات نفسانی‌اش را بر هدایت خدا و عمل به مسئولیت، مقدم دارد» (تفسیر المیزان، ج ۸: ۳۳۹).

ب) مسئولیت کارگزاران: دولتمردان و مسئولان که بار اداره و هدایت جامعه را بر دوش دارند، در قبال آحاد مردم، مسئولیت‌های فراوانی دارند که به طور خلاصه به آن‌ها می‌پردازیم:

۱) **ساده زیستی:** به دلیل آن‌که مدیران جامعه در معرض دید مردم هستند، باید بیش‌تر مواظب خود و اطرافیان‌شان باشند، زیرا ساده زیستی و بی‌آلایشی آنان، باعث تسلی خاطر محرومان خواهد بود. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بر پیشوایان دادگر، واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف تطبیق دهند تا رنج فقر، برای مستمندان، دشوار نیاید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۰). آن حضرت زیاد بن ابیه را به دلیل اسراف و زندگی تجملی ملامت می‌کند و می‌فرماید: «خبردار شده‌ام که در یک روز، غذاهای رنگارنگ و فراوان تهیه می‌کنی و هر روز آرایش و تزیین می‌نمایی، چه می‌شود تو را اگر مدتی روزه بگیری، برخی از دارایی و مالت را انفاق کنی، غذایت را ساده و بدون خورشت بخوری، این کار شعار صالحین است» (شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۶: ۱۹۶).

۲) **خدمت‌رسانی:** در منابع اسلامی، به حاکمان و دولتمردان سفارش شده است که همواره کانون مهر و خدمتگزاری برای مردم باشند و خود را خادم ملت بدانند. امام علی (ع) به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: «ان عملک لیس لک بطعمه فی عنقک امانة و انت مستدعی لمن فوقک» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳): «کاری که بر عهده توست طعمه تو نیست، بلکه بر گردنت امانت است. آن که تو را بدان گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده است». چه زیباست جامعه‌ای که رهبران فکری و عالمان دینی آن، پیشگامان خدمت نیز باشند. به فرموده حضرت مسیح (ع): «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ

العالم: «لایق‌ترین افراد برای خدمتگزاری، عالمان‌اند». کارگزاران موظف‌اند به طبقه محروم و مستضعف جامعه توجه خاص داشته باشند و با حمایت ویژه از آنان، مجال بهره‌مندی‌شان را از امکانات عمومی فراهم سازند. / امام علی (ع) در فرمان حکومتی خود می‌فرماید: «اللَّهِ اللهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى»: «بر تو باد توجه به طبقه آسیب‌دیده و ضعیف؛ آنان که راه چاره ندارند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان و از بیماری، برجامندگان‌اند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۳) ارتباط مستقیم با مردم: مردمی بودن دولتمردان اقتضا می‌کند با آنان ارتباطی مستقیم داشته باشند تا مشکلات‌شان را حس کنند. در صدر اسلام، کارگزاران به هیچ وجه از مردم فاصله نمی‌گرفتند ولی از زمان حکومت معاویه، تشریفات فراهم شد. یعقوبی می‌نویسد: «نخستین کسی که در اسلام، نگهبان و پاسبان و دربان گماشت، معاویه بود» (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۶۵). رسول خدا (ص) میان اصحابش چنان قرار می‌گرفت که گویی یکی از ایشان است تا جایی که وقتی فردی وارد مجلس می‌شد نمی‌دانست پیامبر (ص) کدام یک از آن‌هاست (المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۴: ۱۵۲). / امام علی (ع) از مالک اشتر می‌خواهد خودش را از مردم پنهان نکند، زیرا دور بودن زمامداران از چشم مردم، موجب نوعی محدودیت و بی‌اطلاعی از امور است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۴) همدردی با مردم: کارگزار نظام اسلامی، نمی‌تواند خود را جداافتاده از دیگران بداند و غمخوار مردم نباشد. مسئولیت دولتمردان، در قبال مشکلات و دردهای آحاد جامعه، سنگین و طاقت فرساست. همدردی پیامبر (ص) و احساس مسئولیت ایشان درباره سرنوشت مردم به قدری بود که گاهی از شدت اندوه و غم در آستانه مرگ قرار می‌گرفت. به طوری که قرآن مجید به او دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: «ای رسول گرامی! از اینکه می‌بینی مردم به راه حق نمی‌گرایند و ایمان نمی‌آورند، از شدت غصه، جان خود را از دست می‌دهی» (کهف/ ۶). پیشوای عدالت‌خواهان و رهبران آزادگان، / امام علی (ع) لحظه‌ای آرام و قرار نداشت و هرگز خود را آسوده و بی‌مسئولیت نمی‌دانست. احساس مسئولیت آن حضرت در اداره امور، تنها در حد ابراز احساسات و عواطف نبود بلکه بی‌درنگ اقدام می‌کرد و جلو ظلم و ستم را می‌گرفت و به جبران مافات می‌پرداخت. گاهی از عملکرد نادرست کارگزاری، جانش به درد می‌آمد و اشک از دیدگانش روان

می‌شد و می‌گفت: «خدایا! تو شاهد باش بر من و این جماعت. من در حکومت به آنان دستور ستم بر مردم و ترک حق تو را نداده‌ام. ایشان وقتی شکایت سوده همدانی را از یکی از حاکمان شنید، بی‌درنگ اقدام کرده او را از مسند قدرت برکنار نمود» (العقد الفرید، ج ۱: ۳۳۶).

وقتی به آن حضرت گزارش دادند لشکری از جانب معاویه وارد شهر انبار شده و یکی از آنان به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی که در پناه اسلام بوده، وارد شده و خلخال و دست بند و گردن‌بند آنان را از تن‌شان بیرون آورده است خطبه‌ای خواندند و فرمودند: «فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا»: «اگر مسلمانی از اندوه و تأسف این پیش‌آمد، جان دهد نه تنها جای ملامت نیست، بلکه سزاوار است که چنین شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷).

ج) مسئولیت ثروتمندان: ثروت برای ثروتمند، مسئولیت می‌آفریند. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾: «در اموال ثروتمندان حقی معلوم برای نیازمند است» (معارج / ۵-۴). امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که سرمایه‌های کلان را برای خود انباشته سازد (ده هزار درهم آن زمان)، شیعه واقعی نیست، مگر اینکه از چپ و راست و هر جهت در بهره‌مند ساختن دیگران کوتاهی نکند» (الحیاء، ج ۵: ۴۷۱).

امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند سبحان، غذا و نیاز نیازمندان و فقرا را در اموال ثروتمندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند مگر به واسطه اینکه ثروتمندان از حق آنان بهره‌مند شده‌اند و خداوند آن‌ها را به دلیل این عمل مؤاخذه خواهد کرد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۲۰). چگونه ثروتمندان می‌توانند خود را از قلمرو مسئولیت، خارج کنند در حالی که در روایات آمده است: در حلال دنیا حساب و در حرامش عذاب است» (بحار الانوار، ج ۶۷: ۳۱۱). به راستی، اگر ثروتمندان به مسئولیت خطیر خود عمل کنند آیا فقیری خواهد بود؟!

نتیجه بحث

اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند، و در طول زندگی ناگزیر

از معاشرت با دیگران می‌باشد، و در همین راستا دین مبین اسلام، وظایفی را برای افراد نسبت به یکدیگر تعیین کرده است که همان مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد. از دیدگاه اسلام، روابط اجتماعی بر مبنای خیرخواهی، محبت، مودت و حسن ظن می‌باشد؛ یعنی انسان باید صفحه اندیشه و نیت خود را نسبت به برادران و خواهران خود نیکو ساخته و از سوء ظن به برادران دینی خود شدیداً پرهیز نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» «ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید، هیچ یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید (پس بدانید که مثل غیبت مؤمن به حقیقت همین است) و از خدا پروا کنید، که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است» (حجرات/۱۲).

نتایج بررسی بعد اجتماعی مسئولیت‌پذیری بیانگر آن است که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی، منشأ حقوق و تکالیف معینی است که انسان در زندگی اجتماعی با توجه به کرامت و مسئولیت خویش باید آن‌ها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از جنبه‌های فطری انسان است که در همه وجود دارد. بایستی آن را به فعلیت رساند. حوزه مسئولیت‌ها، در رابطه با دیگران، روابط خانوادگی، خویشاوندی، همسایگان، مؤمنان و حکومت می‌باشد که می‌توان با محبت، رعایت حقوق، اقامه قسط و همکاری و هدایت و بکارگیری روش‌های مناسب، به آن دست یافت.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۶، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- الأندلسی، أحمد بن محمد. ۱۴۰۴ق، العقد الفريد، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آیتی، محمد ابراهیم. ۱۳۷۱ش، تاریخ یعقوبی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایزدپور، محمدرضا. ۱۳۹۳ش، مسئولیت انسان در اسلام، مشهد: آستان قدس رضوی.
- باقری، خسرو. ۱۳۹۰ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: مدرسه.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱ش، گستره دین، قم: اسراء.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران. بی تا، الحیاة، ترجمه احمد آرام، ج ۵، تهران: انتشارات دلیل ما.
- شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۱ش، همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم: معارف.
- صدوق، محمد بن بابویه. ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، بیروت: انتشارات دار الاضواء.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. ۱۳۷۲ش، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۴، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قزائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق، بحار الانوار فی معرفة الائمه الاطهار، ج ۷۲ و ۷۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، ج ۹ و ۲، قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام).
- محمّدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۱ش، میزان الحکمة، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، ج ۲، قم: دار الحدیث.
- مختاری، رضا. منیة المرید فی ادب المفید والمستفید، ۱۴۰۹ق، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۸۵ش، تفسیر نمونه، ج ۱۸، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- هیثمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر. ۱۹۶۷م، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- ورام، مسعود بن عیسی. ۱۳۸۴ش، مجموعه ورام، ترجمه محمدرضا عطایی، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.

مقالات

- جعفری، اکرم. ۱۳۹۲ش، «مسئولیت‌پذیری از دیدگاه قرآن»، پایان‌نامه سطح ۲، مدرسه علمی الزهرا خمینی‌شهر.
- حاجی‌زاده، مهین و آورجه، محی‌الدین. ۱۳۹۳ش، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان»، دو فصلنامه قرآن در آینه پژوهش، تبریز، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، شماره اول، صص ۱۵۶-۱۲۳.
- حسنی، محمد ضیاء. ۱۳۸۹ش، «مسئولیت اجتماعی انسان از دیدگاه قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی‌العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- داداشی کلایی، فاطمه. ۱۳۹۵ش، «تبیین اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام و دلالت‌های تربیتی آن»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- رستمیان، محمدعلی. ۱۳۹۳ش، «مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (ع)»، پژوهشنامه حکمت اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص ۵۰-۳۱.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و زهرا آبنیکی. ۱۳۹۱ش، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه نظری ایران در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۱، صص ۱۰۶-۵۹.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و نجفی، حسن. ۱۳۹۳ش، «تحلیل ابعادشناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی»، سراج منیر، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره ۱۶، صص ۱۷۰-۱۵۱.
- سجادی، ابراهیم. ۱۳۸۸ش، «قرآن و بازتاب تربیتی روابط چهارگانه انسان»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، مشهد، پژوهشکده اسلام تمدنی، شماره ۶۰-۵۹، صص ۱۳۹-۹۰.
- فقیهی، علی‌نقی و حسن نجفی. ۱۳۹۳ش، «الگوی مطلوب روابط انسانی در نظام تربیتی امام رضا(ع)»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی حدیث رضوی، قم: دار الحدیث.
- معتمدی، عبدالله. ۱۳۹۲ش، «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۳، صص ۱۴۲-۱۲۵.

Bibliography

The Holy Qur'an.
Nahj al-Balagha.

- Ibn Abi alHadid, Abdel Hamid Ben Hiba Ali, 1404 AH, as Balagha Labn Abil Hadid, edited by Ibrahim, Mohammad A., vol. 16, Qom, Ayatollah Almrshy Find your Al Najaf.
- Ibn branch Haran, Hassan bin Ali, 1404 AH, tuhaf al-uqul, Qom, the Association of Teachers. - Alandlsy, Hmdbnmhmd, 1404, Alqd Elfriede, vol. 1, Beirut, Dar Icons.
- IT, Mohammad Ebrahim, 1371, of Jacob, Sixth Edition, Tehran, Cultural and Scientific Publications.
- Ayzdpvr, MR, 1393, human responsibility in Islam, Mashhad, Razavi.
- Bagheri, Khosrow, 1390, to look into Islamic Education, vol. 1, Tehran, school.
- Ja, A., 1392, the Quran accountability, supervision level 2, Al-Khomeini Shahr scientific school.
- Javadi Amoli, Abdullah, 1391, the scope of religion, Qom, Asra.
- Hajizadeh, Mahin; Vrijh, Mohiuddin, 1393, "with an emphasis on social responsibility in the Holy Qur'an Allameh Tabatabai in Al-Mizan", Journal of the Quran in the Mirror survey, the first issue, Ss156-123, Tabriz, Azerbaijan University of civil martyr.
- Hosni, Mhmdzya', 1389, the social responsibility of the Quran, a master's thesis Ministry of Science, Research and Technology of the University of Al Alalmyh- School of Theology.
- Wise, MR and others, Al-Hayat, translated by Ahmad Aram, vol. 5, Tehran, because of us.
- Dadashi Kalai, F., 1395, principles and methods of accountability of Islam and its educational implications, graduate thesis, University of Mazandaran, Faculty of humanities and social.
- Rostamian, MA, 1393, "responsibility and duty of the Quran and traditions of the Ahlul Bayt (AS)", Journal of Philosophy Ahlul Bayt (A), (2), Ss50-31. Isfahan, Isfahan University.
- Sobhaninezhad, M, Najafi, H., 1393, "Analysis Abadshnasanh responsibility in Islamic lifestyle", Siraj Munir, 16, Ss170-151, Tehran, Faculty of Theology.
- Sobhaninezhad, M and Z Ab Nik, "according to the study of theoretical aspects of social responsibility in the high school curriculum content Iran in 13901389", 1391, Quarterly innovative educational ideas. No. 1. pp. 10659.
- sajadi, E., 1388, "the Koran and the training reflects the four human relations", Quarterly Journal of the Quran. 59. No. 60, pp. 13990, Mashhad, Institute of Islamic civilization.
- Sharifi, Ahmad Hoseyn, 1391, Marigold, ethics and Islamic lifestyle, Qom, education.
- Saduq, Mohammad Babawayh, 1413, Man la yahduruhu al-Faqih, vol. 2, Beirut, Press Daralazva'.
- Tabatabai Seyyed Muhammad, 1417, Al-Mizan fi Tfsyralqran, vol. 8 and 16, Qom, Teachers Society Publications Office.
- jurisprudent, Ali Naqi and Hassan Najafi, 1393, "optimal pattern of human relations in the educational system of Imam Reza (AS)", Proceedings of the National Conference Hadith Razavi, Qom, Dar al-Hadith.
- Faiz Kashani, Muhammad ibn Shah Morteza, 1372, al-Bayda Fi Almhjh Alahya' refinement, vol. 4, Mashhad, Razavi, Islamic Research Foundation.
- reading, M., 1383, interpreted in light of Tehran Cultural Center Lessons from the Quran House, MB, 1404 AH, Fymrfh alaeme Alathar Bihar al-Anwar, vol. 72 and 71, Beirut, restoration of Altras al-Arab.
- Optical narrator, Mirza Hussein, in 1408 BC, Alvsayl Mustadrak, vol. 9 and 2, Qom, al-Bayt Institute (PBUH).
- Mohammad Reyshahri, M., 1381, the al-Hikmah, translation Syed Abul Hussein, vol.2, Qom, Dar al-Hadith.

Mukhtar, R., Mnyh latter Almfyd fi literature and Almstfyd, 1409 AH, Qom, Alaam school of Islam.

Mo'tamedi, A., 1392, "desirable lifestyle based on communication perspective." Quarterly Culture Counseling and Psychotherapy, 13, Ss142-125, Tehran, Allameh Tabatabaei University.

Makarem Shirazi, N. et al, 1385, commentary sample, vol. 18, Tehran, Daralktb al.

Haitham, Nouredin Ali bin Bybkr, 1967, Alzvayd source Alfvayd Assembly, Second Edition, Beirut, Daralktab.

Vram, Masoud bin Isa, 1384, Vram collection, translator Reza Atai, vol. 2, Mashhad, Razavi.